بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس
سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس

سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس

کارگروه تخصصی بررسی متون کلان پروژه های مطالعاتی دفاع مقدس

عنوان: چکیده عملیات خیبر

مجری: تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس ۲۶۴۰۳۰۴۳-۰۲۱

اعضای کارگروه: غلامپور، احمد - زهدی، یعقوب - جعفری، فتح الله - کاظمی، سید اصغر - مراد پیری، هادی - علاماتی، غلامرضا - بایرامی، عباس

تدوین: خانی آرانی، عباس

ویراستار: امیرخانی، مسعود

سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس - تابستان ۱۴۰۳

لینک ثابت: https://defadocs.ir/Page/operationkheibar

آدرس: تهران، بزرگراه شهید حقانی شرق به غرب، ابتدای خیابان کوشا، ساختمان آرشیو ملی، طبقه همکف

تلفن: ۲۶۴۰۳۰۴۳-۰۲۱ دورنگار: ۲۶۴۰۳۰۰۵-۰۲۱

آدرس سایت: www.defadocs.ir

پست الکترونیک: info@defadocs.ir

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

عملیات خیبر

مشخصات کلی یا شناسنامهٔ عملیات

۱. منطقهٔ عملیاتی: خوزستان، جنوب غربی ایران، منطقهٔ هورالهویزه و طلائیه.

۲. زمان: سوم اسفندماه ۱۳۶۲.

۳. رمز عملیات: لاحول و لاقوه الّا بالله، یا رسول‌الله، یا رسول‌الله، یا رسول‌الله.

۴. ساختار و سازمان: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران.

۵. اهداف عملیات:

الف) تصرف شرق بصره و رسیدن به ساحل شرقی شط‌العرب حدفاصل نشوه تا تنومه.

ب) قطع محور مواصلاتی بصره–العماره.

پ) تصرف و تأمین جزایر مجنون.

ت) تداوم عملیات و فشار نظامی بر دشمن.

ث) انهدام نیروهای دشمن.

۶. نتایج: تصرف جزایر شمالی و جنوبی مجنون و بخشی از هورالهویزه.

۷. نقشهٔ منطقهٔ عملیات:

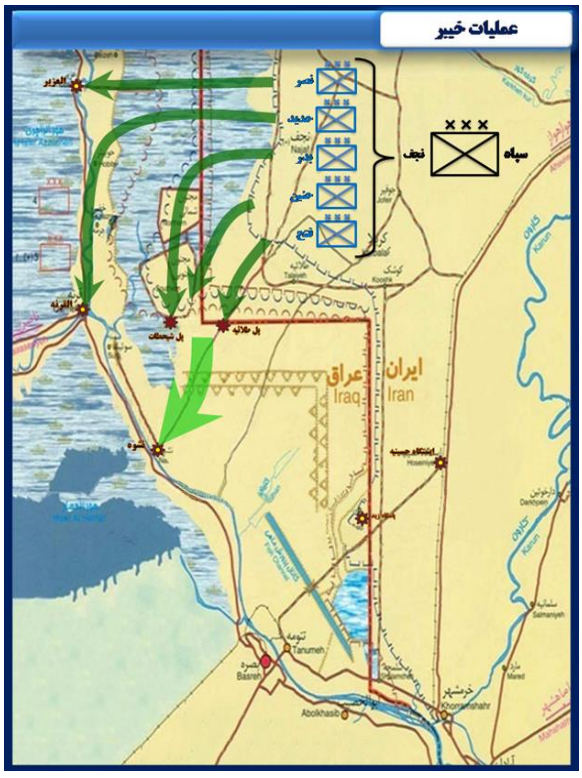

تعاریف و اصطلاحات

هورالهویزه/ هورالعظیم

تالابی واقع در مرز ایران و عراق (بین استان خوزستان ایران و استان بصرهٔ عراق) است که در ایران به نام هورالهویزه و در عراق به هورالعظیم خوانده می‌شود. در عرف منطقه، به هور مشهور است.

شط‌العرب

رودخانه‌ای است که از به‌هم‌پیوستن دو رودخانهٔ دجله و فرات در منطقهٔ القَرنهٔ عراق به وجود می‌آید و مرز آبی بین ایران و عراق را در جنوب بصره و جنوب خرمشهر تشکیل می‌دهد. رودخانهٔ کارون ایران در منطقهٔ خرمشهر به این رودخانه می‌پیوندد که رودخانهٔ واحدی را تشکیل داده، وارد آب‌های نیلگون خلیج فارس می‌شوند. بنابراین، از محل تلاقی کارون تا خلیج فارس در ایران را «رودخانهٔ اروندرود» و از تلاقی دجله و فرات در القَرنه تا خلیج فارس در عراق را «شط‌العرب» می‌نامند.

جزایر مجنون

دو جزیرهٔ مصنوعی هستند که در میان تالاب هورالهویزه و داخل خاک عراق در جوار مرز با ایران قرار گرفته‌اند. عراق این جزایر را به‌علت وجود منابع نفتی فراوان، که حوزهٔ مشترک بین ایران و عراق است، از سوی به منظور استخراج نفت ایجاد کرده است.

جیش‌الشّعبی

بخشی از نیروهای مردمی ارتش عراق هستند که برای مقابله با رزمندگان اسلام در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران ایجاد و در قالب تیپ سازمان‌دهی و به‌کارگیری شدند. این تیپ‌ها، به‌علت تشکیل شناسه‌شان از یک عدد سه‌رقمی، در بین نیروهای نظامی ایران به «تیپ‌های سه رقمی» معروف بودند.

پاتک

عملی آفندی است که با همه یا بخشی از نیروی‌های پدافندکننده علیه نیروی مهاجم انجام می‌گیرد و هدف آن به دام انداختن و نابودی نیروهای دشمن در محل مناسب و بازپس‌گیری مناطق ازدست‌رفته است.

ش.م.ر یا ش.م.ه

مخفف کلمات شیمیایی، میکروبی و رادیواکتیو یا هسته‌ای است. با توجه به گسترش یافتن سلاح‌های این حوزهٔ ممنوعه، امروزه در سازمان‌های نظامی ایران به‌جای واژهٔ «ش.م.ر یا ش.م.ه» ، از واژهٔ «جنگ نوین» استفاده می‌شود.

العُزَیر

یکی از مناطق شهری عراق در شمال استان بصره که در جوار رودخانهٔ شط‌العرب و جادهٔ مهم و راهبردی بصره-بغداد و منطقهٔ هور واقع است.

اَلقَرنه

یکی از مناطق شهری عراق در شمال استان بصره و شمال القَرنه که در جوار رودخانهٔ شط‌العرب و جادهٔ مهم و راهبردی بصره-بغداد و منطقهٔ هور واقع است.

العماره

مرکز استان میسان عراق و در شمال استان بصره است. این استان در جوار مرز ایران واقع شده است.

آبراه

به مسیرهایی در هور گفته می‌شود که قابل قایق‌رانی و عبور است.

اسکله

محلی زیرسازی و آماده‌شده برای پهلو گرفتن شناورهای دریایی است.

پلاستوفوم

آن را آکاستیو، فوم، یونولیت و یا EPS (پلی‌استایرن انبساطی) نیز می‌نامند. پلاستوفوم ماده‌ای سفیدرنگ و عایق سرما، گرما، رطوبت و صداست که آلمان‌ها اولین‌بار در جنگ جهانی دوم برای ساخت پل‌های شناور روی آب ساختند.

پلی‌یورتان فوم

پلی‌اورتان (پلی‌یورتان) ماده‌ای پلمیری است که خاصیت الاستومری یا همان پلاستیکی دارد و بسیار چسبنده و بادوام است و در بازار تنوع رنگ بالایی دارد. این محصول در هنگام تماس با مواد اسیدی و قلیایی، مقاومت زیادی از خود نشان می‌دهد و به‌همین‌علت از آن در ساخت عایق‌ها، اسباب‌بازی‌ها و مواد دیگری مثل پوشش‌ها، الیاف مصنوعی و غیره استفاده می‌شود. البته پلی‌اورتان‌ها در زندگی روزمرهٔ ما خواص و کاربردهای بیشتری دارند.

فایبرگلاس (فیبر شیشه)

فایبرگلاس (Fiberglass) کامپوزیتی از الیاف شیشه با مواد پلیمری است که از پشم شیشه برای تقویت‌کننده و از مواد پلیمری برای مواد زمینهٔ آن استفاده می‌کنند. از انواع رزین‌ها مانند وینیل‌استر، پلی‌استر و اپوکسی، برای تولید آن استفاده می‌کنند.

پل شحیطاط

پلی منصوب روی کانال صویب در جنوب جزیرهٔ مجنون جنوبی است که ارتباط جاده‌ای بین جزایر و شهر نشوه در شمال بصره را برقرار می‌کند.

پل طلائیه

پلی روی کانال صویب است که پل دوم ارتباطی جزیرهٔ مجنون جنوبی برای برقراری ارتباط جاده‌ای بین جزایر و منطقهٔ طلائیه است.

مأموریت کمک‌مستقیم

این مأموریت، که پرتقاضاترین نوع مأموریت تاکتیکی استاندارد است، به‌منظور پاسخ‌گویی توپخانهٔ صحرایی به درخواست‌های آتش عنصرِ درگیر رزمِ نزدیک به یگان توپخانهٔ صحرایی واگذار می‌شود.

مأموریت عمل‌کلی

این مأموریت، با کنترلِ مستقیم تعدادی از یگان‌های توپخانهٔ صحرایی (که قرارگاه توپخانه آن را کنترل می‌کند)، برای اعمال نفوذ سریع و مستقیم فرمانده در عملیات انجام می‌شود.

مأموریت عمل‌کلی تقویت

در این مأموریت، یگان توپخانه، ضمن انجام مأموریت عمل‌کلی، آتش یگان توپخانهٔ دیگر را نیز تقویت می‌کند.

آتشبار

یک واحد نظامی و یکی از یگان‌های رَستهٔ توپخانه یا یک واحد آتش توپخانه دارای چند توپ است که می‌تواند مأموریت مستقل انجام دهد. آتشبار کوچک‌تر از «گردان توپخانه» و معادل گروهان در رستهٔ پیاده است.

آتش پشتیبانی

آتش گشودنِ یگان‌های پشتیبانی‌کننده برای مراقبت و پشتیبانی از یگانِ یک نیرو که شامل آتش پشتیبانی نزدیک، آتش تهیه و آتش داخل منطقهٔ نبرد می‌شود.

مرکز تطبیق آتش

مرکزی است که در آن نمایندگان نیروی عمل‌کننده، یگان پشتیبانی، و پشتیبانی آتشْ طرح‌ریزی و تطبیق پشتیبانی آتشِ به‌موقع به اهداف و انتقال آتش مطابق با طرح‌ها و نیازهای یگان یا نیروی پشتیبانی‌شونده را فراهم می‌سازند.

هاورکرافت

هواناو (hovercraft) یا گونه‌ای شناور دریایی است که بر روی بالشتکی از هوای فشرده تکیه دارد. هواناو توانایی گذشتن از پهنه‌های گوناگون بر روی زمین و همچنین گذر از روی آب را دارد.

هوانیروز

بخش هوایی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران است.

عملیات اسلینگ (در هوانیروز)

در این عملیات، محموله‌های مورد نیاز با امکاناتی مانند سیم بکسل، که داخل بالگرد تعبیه شده و با اتصال به محموله و آویزان شدن زیر بالگرد، به محل مورد نظر یا به مناطق مرتفع و صعب‌العبور انتقال داده می‌شود

رکونینگ

شناسایی مُرده (Dead Reckoning) یک روش ناوبری هوایی است که در گذشته از آن استفاده می‌شد. این روش مبتنی‌بر زمان، فاصله و جهت حرکت است و برای ناوبری هوایی در حین عبور از مناطق وسیعی استفاده می‌شود که دارای عوارض یکسان است.

ویرتیگو

سرگیجهٔ دَوَرانی یا واقعی (vertigo) حالتی است که فرد احساس می‌کند محیط اطرافش به دور سرش در حرکت یا چرخش است یا اینکه محیط اطراف ثابت است، اما خودش در حال حرکت یا چرخش است. همین احساس حرکت یا چرخش است که سرگیجهٔ واقعی را از سایر انواع «گیجی یا سبکیِ سر» (dizziness)متفاوت می‌کند.

مقدمهٔ عملیات

از تیرماه ۱۳۶۱، که مقدمات راهبرد تعقیب و تنبیه متجاوز و تحمیل اراده به او برای رفع فتنه و پرهیز از اشغال‌گری مجدد در دستور کار فرماندهان و مسئولان نظامی کشور قرار گرفت، اجرای عملیات در شمال بصره از اهمیت راهبردی برخوردار بود. به‌طورکلی، هدف عملیات در این منطقه ازلحاظ راهبرد نظامی و اهداف آتی جنگْ تصرف شهر بصره بود. برای تحقق این منظور، طرح‌ریزی عملیات‌های بعدی رزمندگان در جبهه‌های جنوبی کشور به‌سبب اهمیتی که این منطقه در سرنوشت جنگ داشت و دشمن نیز به این اهمیت واقف بود صورت گرفت. درواقع، ورود به خاک عراق و تصرف شهر بصره به‌عنوان هدف بزرگی که در تحقق راهبرد تعقیب و تنبیه متجاوز نقش اصلی را ایفا کرده و می‌کرد همیشه مورد توجه فرماندهان و طراحان عملیات در جنوب قرار داشت. براین‌اساس، مسئولان سیاسی و نظامی کشور معتقد بودند که اجرای عملیات بزرگ و موفق در جبههٔ جنوب، در تحقق تنبیه متجاوز به‌عنوان راهبرد جنگ در بُعد سیاسی، بسیار مؤثر خواهد بود. بنابراین، جبهه‌های جنوبی به‌سبب اهمیتشان در سرنوشت جنگ در راهبرد نظامی از دو بُعد مورد توجه مسئولان قرار گرفتند و طراحی و اجرای عملیات در این مناطق بر مبنای یکی از این دو بُعد صورت می‌گرفت:

۱. به‌عنوان مناطق واسط برای رسیدن به بصره.

۲. به‌عنوان مناطق اصلی با هدف تصرف بصره.

برای رسیدن به این هدف بزرگ و دستیابی به بصره با تغییراتی در تاکتیک‌های گذشته صورت می‌گرفت. دشمن پس از فتح خرمشهر، با شناخت تاکتیک‌های نیروهای خودی، اقدام به تغییرات گسترده در زمین، نیرو و سلاح کرد و با عدم‌الفتحی که در عملیات رمضان رخ داد، مشخص شد تاکتیک‌های گذشته در جبههٔ خودی فاقد کارایی است و باید کاملاً تغییر کند. به‌بیان‌دیگر، دشمن با ارتقا و افزایش قدرت دفاعی ارتش خود پس از فتح خرمشهر و با تغییر تاکتیک و روی آوردن به دفاع مطلق در زمین و خنثی کردن نقاط قوت رزمندگان اسلام، موجب رقم خوردن چند عدم‌الفتح از عملیات رمضان به بعد شد و در طول نوزده ماه تا زمان اجرای عملیات خیبر در مناطق عملیاتی شرق بصره، شرایط بن‌بست بر مناطق جنوبی حاکم شد و نیروهای خودی در طول این مدت پشت خطوط دفاعی مستحکم عراق متوقف ماندند. بنابراین، به‌کار بردن ابتکار جدید در برنامه‌ریزی و راهبرد نظامی ایران و انتخاب زمین متناسب با توان خودی، ضرورتی جدی بود که باید به آن توجه می‌شد.[1]

دولت بعثی عراق، با تکیه بر چند عامل، طی حدود بیست ماه پس از آزادسازی خرمشهر، یعنی از نیمهٔ دوم خرداد ۱۳۶۱ تا آستانهٔ عملیات خیبر، ضمن تغییر ساختار نظامی و توانایی‌های ارتش خود، قدرت دفاعی‌اش را ارتقا و افزایش چشمگیری داده بود. دراین‌راستا، به منظور افزایش قدرت مقاومت نیروهایش در خط مقدم، زمین جبهه‌های فعال را با کمک اقدامات مهندسی و ایجاد موانع مصنوعی نظیر میادین مین گسترده و محافظت آنها با رده‌های متعدد و وسیع سیم‌های خاردار، مسلح کرد و توانست خطوط دفاعی بسیار مستحکم و متعددی را ایجاد کند. همچنین، در ساختار سازمان رزمی تغییراتی ایجاد کرد و به توسعهٔ کمّی و کیفی آن همت گماشت. با این برنامه، رژیم صدام استعداد یگان‌های ارتش بعثی را از پانزده لشکر به حدود سی لشکر افزایش داد. ازسوی‌دیگر، ارتش عراق توانست با کیفیت‌بخشی به سلاح‌ها و جنگ‌افزارهای نیروهای مسلح ازطریق دریافت انواع هواپیماها، تانک‌ها، زره‌پوش‌ها، موشک‌ها و جنگ‌افزارهای پیشرفته از کشورهایی مانند شوروی، فرانسه، چین و برخی از کشورهای اروپایی و کسب اطلاعاتی جامع از آمریکا، به افزایش قدرت رزمی ارتش خود مبادرت ورزد. ضمن اینکه این ارتش، با کمک‌های وسیع آلمان، به سلاح‌های ممنوعهٔ شیمیایی مانند گازهای خردل نیز تجهیز شد به‌طوری‌که با شروع عملیات خیبر، برای اولین‌بار به‌کارگیری وسیع انواع

---

[1] مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، برگرفته از: «عملیات خیبر، تصرف جزایر مجنون»، کتاب سی‌ام، ۱۳۸۲، ص ۱۶.

گازهای سمی را علیه رزمندگان اسلام آغاز کرد. بنابراین، در این دوره، ارتش عراق از توانمندی دفاعی و قدرت آتش بسیار بالایی برخوردار شده بود.[۲]

با اجرای سه عملیات پی‌درپی و موفق طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس، که تقریباً کل سرزمین‌های اشغالی از دست دشمن خارج شده و آزادسازی خرمشهر را در پی داشت، شرایط برای دو طرف نبرد تغییر کرد و بخش عمده‌ای از شرایطی که بر جبههٔ خودی تحمیل شده بود ناشی از نتیجهٔ عملکرد دشمن بود و اولین آثار آن در عملیات رمضان آشکار و با عدم‌الفتح مواجه شد. بنابراین، با توجه به وضعیت دفاعی دشمن و حساسیت او نسبت به منطقهٔ شلمچه، که با ایجاد استحکامات و موانع و خطوط پدافندی قویْ شرایط سختی را برای نیروهای خودی به وجود آورد، فرمانده کل سپاه و سایر فرماندهان و طراحان عملیات را به این نتیجه رساند که برای خروج از بن‌بست و رسیدن به بصره، باید در جغرافیایی جدید و با رویکردی تازه به خطوط عراق حمله کرد. در این شرایط، نباید در روند جنگ وقفه و رکود می‌افتاد و ابتکار عمل از دست نیروهای خودی خارج می‌شد، زیرا باعث جری شدن دشمن و از دست دادن ابتکار عمل می‌شد و فشارهای داخلی را بر فرماندهان نظامی در زمینهٔ ادامهٔ جنگ تشدید می‌کرد و این به‌هیچ‌عنوان به صلاح کشور نبود. بدین‌منظور، اجرای عملیات‌های محدود محرم (تکمیل‌کنندهٔ عملیات فتح‌المبین) در منطقهٔ عین‌خوش و موسیان و عملیات‌های مسلم‌بن عقیل و والفجر ۳ در جبهه‌های میانی و والفجر ۲ و ۴ در منطقهٔ شمال‌غرب جهت سلب آسایش از دشمن انجام گرفت. پس از آن، درخصوص اجرای عملیات بین چزابه و فکه با هدف تصرف العماره به‌عنوان سومین شهر عراق و همچنین کم کردن حجم نیروی دشمن از شرق بصره تصمیم‌گیری شد تا در فرصت مناسب، بازگشت به منطقهٔ شرق بصره صورت گیرد. ولی باز هم دو عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱ اجراشده در این مناطق به‌سبب استحکامات قوی و دفاع و واکنش شدید دشمن با موفقیت همراه نشد.

بنابراین، اتفاقات رخ‌داده حدفاصل انتهای خرداد ۱۳۶۱ تا اسفند ۱۳۶۲، که منشأ آن تغییر نگرش در ساختار دفاعی و توسعه و ارتقا سامانه‌های اطلاعاتی عراق و کسب اطلاعات کامل از وضعیت دائمی خودی بود، کار جنگ را به بن‌بست کشاند. بن‌بستی که در صورت ادامه‌دار شدن، جبههٔ خودی را از درون منهدم می‌کرد و برای خارج شدن جبهه از این بن‌بست، باید اقدامی صورت می‌گرفت. زیرا هم در غلبه بر دشمن دچار مشکل شده بودیم و هم فشاری که از درون کشور وارد می‌شد، شرایط تصمیم‌گیری را برای فرماندهان جنگ دشوار کرد.

---

[۲] ، علایی، حسین؛ تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق؛ جلد دوم، چاپ دوم (با تجدیدنظر و اضافات)؛ تهران، مرزوبوم (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران)، ۱۴۰۱؛ فصل ششم، تحول در تدابیر نظامی، عملیات خیبر، ص ۴۲.

در چنین شرایطی، طراحان و برنامه‌ریزان عملیات یا باید «طرح مانور» را تغییر می‌دادند یا «زمین جدید و متفاوتی» را برای انجام عملیات درنظر می‌گرفتند. ازطرفی، یکی از اثرات مهم و تأثیرگذار اقدامات دشمن روی جبههٔ خودی، پدیدار شدن تفاوت نظر و دیدگاه عملیاتی بین ارتش و سپاه بود. تفاوت دیدگاهی که تا این زمان به‌شکل ذاتی وجود داشت،اما لابه‌لای شیرینی پیروزی‌های حاصل از اجرای موفق عملیات‌های بزرگی که منجر به خروج متجاوز از بخش عمدهٔ میهن اسلامی شد گم شده و بروز داده نمی‌شد و با تغییر شرایط نبرد و تکرار چند عدم‌الفتح، بروز و ظهور پیدا کرد. نتیجه این شد که سپاه و ارتش به‌صورت مستقل و جدا از یکدیگر اقدام به طراحی و اجرای عملیات کنند.

بنابراین، سپاه وقتی برای طراحی عملیات جدید خود احساس کرد که توان رزمی جنگ به‌سبب تحریم و وضعیت کشور متناسب با افزایش قدرت جنگی ارتش عراق بالا نمی‌رود، به عواملی همچون «غافل‌گیری»، «انتخاب زمین متناسب با توان رزمی موجود» و «به‌کارگیری ابتکار عمل در همهٔ زمینه‌ها»، توجه بیشتری کرد و در طرح‌ریزی جدید خود به دنبال این بود تا نقاط قوت عراق را بی‌اثر و از نقاط ضعف او به نفع نیروهای خودی استفاده کند. بدین‌منظور، منطقهٔ عملیاتی هور را برای اجرای عملیات خود انتخاب کرد که با شرایط موجود همخوانی داشت و می‌توانست با اجرای موفق خود، ضمن تهدید بصره، هم بن‌بست موجود را بشکند و هم ارادهٔ خود را بر دشمن تحمیل کند. بنابراین، برای انجام این عملیات، یگان‌های سپاه ظرف دو ماه خود را از واحدهای پیاده به یگان‌های آبی-خاکی تبدیل کردند و هرکدام از این یگان‌ها پنجاه تا صد قایق در اختیار گرفتند و با اجرای آموزش‌های سکانی و حرکت در آب‌های راکد به نیروهای خود، توان اجرای عملیات آبی-خاکی را کسب کردند و آمادهٔ اجرای عملیات شدند.[۳]

حوادث و اتفاقات مؤثر در اجرای عملیات خیبر (مراجعه به پیوست شمارهٔ ۱)

مراحل و دوره‌های مدیریتی در دفاع مقدس (مراجعه به پیوست شمارهٔ ۲)

عوامل اصلی در تصمیم‌گیری و طرح‌ریزی عملیاتی فرماندهان جنگ

۱. ابتکار در تعیین و انتخاب منطقهٔ عملیاتی

در شرایطی که فرماندهان نظامی برای طرح‌ریزی و انجام عملیات‌های موفق با محدودیت سرزمینی روبه‌رو شده بودند، سپاه پاسداران کوشید سرزمین جغرافیایی و جبهه‌هایی را برای طرح‌ریزی عملیات خود انتخاب کند که:

---

[۳] در طرح عملیات، نیاز به تعداد دو هزار قایق برآورد شده بود که ظرف سه ماه فرصت برای ساخت قایق‌ها و خرید موتور آنها از ژاپن، بیش از پانصد فروند برای عملیات آماده نشد.

الف) با استفاده از عوارض زمین و توانایی‌هایی که جغرافیای جبههٔ نبرد در اختیار رزمندگان می‌گذارد، توازن نظامی را به نفع خود تغییر دهد.
ب) ارتش عراق آمادگی جنگیدن در آن منطقه را نداشته باشد.

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده به‌منظور انتخاب جغرافیای جدید برای اجرای عملیات، منطقهٔ هور با شرایط فوق سازگاری بیشتری داشت، زیرا تصور ارتش عراق از منطقهٔ چزابه تا طلائیه وجود انبوه نیزارهای غیرقابل عبور بود و سپاه هم فکر می‌کرد که ارتش عراق در این منطقه با تانک و توپخانهٔ خود نمی‌تواند با قدرت با رزمندگان بجنگد.

۲. یافتن نقاط ضعف کلیدی دشمن

پس از تعیین منطقهٔ هور ازسوی فرمانده کل سپاه، برای اتقان از وجود نقطه ضعف دشمن و امکان اجرای عملیات موفق در این منطقه، شناسایی‌هایی بر روی نحوهٔ آرایش و مواضع و همچنین جغرافیای گسترش قوای ارتش عراق صورت گرفت. تلاش اصلی بر این بود تا با کسب اطلاعات دقیق از منطقه و نحوهٔ آرایش یگان‌های دشمن، به نقاط ضعف اساسی وی برای طرح‌ریزی تاکتیک طرح مانور عملیات پی برده شود. با بررسی‌های به‌عمل‌آمده، حمله از آب‌گرفتگی عظیم هورالهویزه در حوالی جادهٔ بصره- بغداد به مواضع ارتش عراق مناسب تشخیص داده شد.

۳. پرهیز از تک جبهه‌ای و تلاش برای دور زدن قوای دشمن

یکی از نکات مورد توجه فرماندهان و برنامه‌ریزان عملیات، پرهیز از تک جبهه‌ای و انجام مانور احاطه‌ای با دور زدن موانع و استحکامات دشمن، حمله به خطوط ضعیف دشمن و تلاش برای نفوذ عمیق در مواضع ارتش عراق و برخورد با عمده قوای او در آغاز عملیات بود.

۴. غافل‌گیر کردن دشمن و انجام تک شبانه

با توجه به برتری دشمن ازلحاظ نیروی انسانی و تجهیزات، به‌خصوص برتری در بخش زرهی، تنها راه‌حل برای انجام عملیات‌های موفق، غافل‌گیر کردن او در سطح راهبردی و تاکتیکی و اجرای تک شبانه برای نزدیک شدن به واحدهای زرهی و انهدام آنها بود.[۴]

---

[۴] علایی، حسین؛ تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق؛ جلد دوم، چاپ دوم (با تجدیدنظر و اضافات)؛ تهران، مرزوبوم (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران)، ۱۴۰۱؛ فصل ششم، تحول در تدابیر نظامی، عملیات خیبر؛ صص ۲۵ تا ۲۸.

راهبرد نظام جمهوری اسلامی ایران در جنگ به‌ویژه پس از فتح خرمشهر

انتظار امام خمینی از نتیجهٔ جنگ با طرح مسئلهٔ «جنگ تا رفع فتنه»، که به «جنگ جنگ تا پیروزی» معروف شد، کنار رفتن و سقوط صدام از قدرت بود. ولی عملاً راهبرد ایران پس از آزادی خرمشهر، که ازسوی برخی از مسئولان کشور دنبال می‌شد، انجام یک عملیات بزرگ و موفق و تعیین‌کننده برای ختم جنگ و رسیدن به صلح از موضع قدرت بود و عنوان «جنگ جنگ تا یک پیروزی» را به خود گرفته بود. بنابراین، قبل از آغاز عملیات خیبر، در جلسات رؤسای قوا، که با حضور فرزند امام خمینی در تهران برگزار می‌شد، این بحث مطرح بود که چگونه می‌توان جنگ را پیروزمندانه به پایان رسانید. در آن زمان، برای حل مشکل جنگ، دو راهبرد اساسی وجود داشت:

راهبرد اول: ادامهٔ جنگ تا سقوط صدام.

راهبرد دوم: تصرف منطقهٔ مهمی مانند بصره از عراق و پذیرش آتش‌بس و تمام کردن جنگ با مذاکره.

هدف اصلی از راهبرد دوم، گرفتن یک منطقهٔ حساس از سرزمین عراق بود به‌گونه‌ای‌که حزب بعث نتواند از آن ناحیه صرف‌نظر کند و بتوان از قِبَل آن، خسارات جنگ را از رژیم عراق گرفت و صدام را به‌عنوان متجاوز محکوم کرد. تصور بر آن بود که، با چنین اقدامی، صدام نیز سقوط خواهد کرد. بنابراین، هدف آن بود که جنگ در وضعیتی خوب و با پیروزی ایران تمام شود.[۵]

راهبرد ارتش متجاوز بعث عراق پس از فتح خرمشهر

دشمن بعثی، پس از عملیات بیت‌المقدس، با تجزیه و تحلیل دلایل شکست خود و پیروزی جبههٔ حق، با هدف ایجاد مانع در تحقق اهداف رزمندگان اسلام و کاهش تلفات و خسارت و بازپس‌گیری ابتکار عمل خود، دست به کار شد و با قبول شکست در جنگ و تغییر نگرش در راهبرد خود، که همانا تغییر راهبرد از آفند به پدافند و دفاع مطلق از زمین در برابر هجوم رزمندگان اسلام و جلوگیری از ورود آنان به خاک عراق بود، چند اقدام اساسی زیر را در دستور کار خویش قرار داد و حداکثر ظرف مدت شش ماه آنها را عملی ساخت. نتیجهٔ این اقدامات باعث شد عملیات‌هایی مانند: رمضان، والفجر مقدماتی و والفجر ۱ با عدم‌الفتح مواجه شود و نیروهای اسلام مدت نوزده ماه، با توقف پشت استحکامات ایجادشده، با بن‌بست و عدم امکان عملیات موفق مواجه گردند. البته موفقیت ارتش عراق در این راه مدیون همکاری و کمک‌های بی‌دریغ مالی، سیاسی و تدارکاتی کشورهای حوزهٔ خلیج فارس، پشتیبانی فکری و تسلیحاتی کشورهای غربی و نیز پشتیبانی سیاسی و اطلاعاتی آمریکا بود که بدون هیچ محدودیتی انجام می‌گرفت:

---

[۵] علایی، حسین؛ تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق؛ جلد دوم، چاپ دوم (با تجدیدنظر و اضافات)؛ تهران، مرزوبوم (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران)، ۱۴۰۱؛ فصل ششم، تحول در تدابیر نظامی، عملیات خیبر؛ ص ۳۷.

۱. ترمیم خطوط پدافندی با عقب‌نشینی از بیشتر مناطق اشغالی (به‌جز برخی مناطق حساس) و صرفه‌جویی در قوا با استقرار نیروها روی ارتفاعات سرکوب و مشرف نوار مرزی و سپس متمرکز کردن دوسوم ارتش خود در شرق بصره برای مقابلهٔ جدی با تهاجم رزمندگان اسلام به بصره.

۲. اصلاح ساختار پدافندی با انجام مجموعه‌ای از اقدامات مهندسی بسیار وسیع و علمی شامل: احداث کانال‌های بسیار وسیع و ایجاد موانع پیچیده همراه با ریختن آب داخل آنها، استفاده از میادین وسیع مین به همراه سیم‌خاردار و موانع مکمل یکدیگر، هوشمند کردن میادین با استقرار نیروهای کمین و گشتی رزمی و ایجاد دژ، سنگر و موانع دفاعی با اشکال مختلف و پیچیدهٔ هندسی.

۳. بالا بردن ضریب هوشیاری منابع و سامانه‌های اطلاعاتی با استفاده از ماهوارهٔ کشورهای غربی، آواکس‌های آمریکایی و به‌کارگیری رادارهای رازیت با قابلیت ثبت تحرکات خطوط تا چند کیلومتر عمق خودی و همچنین ستون پنجم اعم‌از منافقین، ضدانقلاب، حزب توده و ... .

۴. تشکیل و راه‌اندازی هشتاد تیپ غیرحرفه‌ای از نیروهای مردمی (جیش‌الشعبی معروف به تیپ‌های سه‌رقمی) به منظور استفاده در خطوط مقدم و حفظ نیروهای زُبده و تازه‌نفس در عقبه برای اجرای پاتک‌های سنگین علیه حملهٔ رزمندگان اسلام.

۵. تلاش وسیع سیاسی در مجامع بین‌المللی برای متوقف کردن جنگ.

اقدامات فوق باعث می‌شد تا دشمن، در طول شب عملیات، رزمندگان اسلام را درگیرِ موانع و نیروهای ضعیف (جیش‌الشعبی) مستقر در خطوط اول کند و از فرصت خستگی آنان و روشنایی هوا استفاده کند و با اجرای پاتک به کمک نیروهای زبده و تازه‌نفس، مانع رسیدن رزمندگان به اهداف شود.[۶]

دلایل انتخاب منطقه

منطقهٔ هور، با وجود محاسن زیادی که برای اجرای عملیات در شرایط بن‌بستِ به‌وجودآمده داشت و برهمین‌اساس اقبال فرمانده کل سپاه به این منطقه رهنمون شده بود، محدودیت‌ها و مشکلاتی همچون: دوری عقبه، مشکل پشتیبانی آتش، امکانات محدود برای پشتیبانی و ترابری نیروها، اتکا به مسیر آبی و ... نیز داشت که فرمانده کل سپاه و سایر فرماندهان بر آنها وقوف کامل داشتند. اما این انتخاب در شرایط بد و بدتر و به‌علت اقتضائات و محدودیت‌های پیش‌آمده و خارج از اراده و اختیار انتخاب شده بود، زیرا برای ایجاد تغییرات جدید در فضای جنگ باید عملیات گسترده انجام می‌گرفت تا بن‌بستِ

---

[۶] مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، برگرفته از: «تحلیل عملیات‌های خیبر و بدر توسط سردار احمد غلام‌پور»، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس سپاه، دوره‌های تربیت مربی، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، تهران، سال ۱۳۸۸.

حاکم بر زمین منطقهٔ نبرد شکسته شود. ضمن اینکه محیط عملیاتی از وضعیت ایستایی خارج می‌شد. بنابراین، منطقهٔ هور با توجه به موارد فوق و دلایل زیر انتخاب شد:

۱. اهمیت حیاتی این منطقه با توجه به موقعیت جغرافیایی آن در کنترل بصره.

۲. تناسب زمین منطقه با توان رزم خودی و شرایط پدافندی دشمن.

۳. نبود استحکامات و موانع قابل توجه در منطقه به‌علت بکر و دست نخورده بودن آن.

۴. امکان‌ناپذیری موفقیت نبرد در سایر مناطق عملیاتی برای رسیدن به بصره به‌علت پیچیدگی و موانع زیاد در خطوط دفاعی دشمن.

۵. امکان دور زدن دشمن و حمله از پهلو و وارد کردن ضربه و دسترسی آسان به عمق دشمن.

۶. نبود نیروی نظامی آموزش‌دیده و حرفه‌ای مناسب در خطوط پدافندی هور ازسوی دشمن.

۷. امکان غلبه بر توانایی‌های دشمن با توجه به غفلت او از عملیات خودی در این منطقه.

۸. عدم امکان استفادهٔ کامل دشمن از توان زرهی خود به‌عنوان یکی از نقاط قوت اصلی او در برابر رزمندگان پیادهٔ اسلام.

۹. عدم آمادگی و ضعف و ناتوانی دشمن در عملیات آبی-خاکی.

۱۰. امکان غافل‌گیری دشمن با توجه به فراهم بودن شرایط پوشش، فریب، اختفاء و استتار همراه با سرعت عمل رزمندگان اسلام در تصرف اهداف.

۱۱. صرفه‌جویی در قوا برای پدافند از منطقه.

۱۲. انعطاف نیروی بسیجی و سهولت کاربرد یگان پیاده.[۷]

مهم‌ترین مسئله برای رسیدن یگان‌های عملیاتی به جادهٔ بصره-العماره، چگونگی عبور آنها از آب‌گرفتگی هور و چگونگی تدارکشان پس از تصرف منطقهٔ شرق دجله بود. بنابراین، علاوه‌بر اهمیت میزان استعداد یگان‌های ارتش عراق در منطقهٔ موردنظر برای عملیات، آشنایی و تسلط بر هور به منظور یافتن راهکارهایی برای عبور هزاران نیروی رزمی از آن، بسیار مهم تلقی می‌شد. با مطالعات صورت‌گرفته مشخص شد که هور دارای ویژگی‌های مخصوص به خود و برخوردار از انواع پوشش گیاهی

---

[۷] مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، برگرفته از: «گزارش برادر حسین اردستانی راوی قرارگاه نجف اشرف (سپاه) در عملیات خیبر، از تاریخ ۱۳۶۳/۰۳/۱۳ تا ۱۳۶۳/۰٤/۱٤، ص ۸، سند راوی شمارهٔ ۱٤۸»؛ درودیان، محمد، از خرمشهر تا فاو، تهران، ۱۳۷٦، ص ۷٦؛ و «عملیات خیبر، تصرف جزایر مجنون، کتاب سی‌ام، ۱۳۸۲، صص ۱٦ و ۱۷».

است و عمق آب آن در نقاط مختلف متفاوت است. درواقع، انتخاب منطقهٔ هور برای انجام عملیات، فرار از نقاط قوت دشمن بود.[۸]

وضعیت عمومی منطقهٔ عملیات

هورالهویزه (که در عراق هورالعظیم نامیده می‌شود) تالابی است دارای وسعتی بیش از سه هزار کیلومترمربع که یک‌سوم آن در ایران و دوسوم آن در عراق واقع است. تالاب هورالعظیم مهم‌ترین باقی‌ماندهٔ تالاب‌های میان‌رودان یا بین‌النهرین است. این منطقه، قبل از جنگ، یکی از مهم‌ترین زیست‌گاه‌های گونه‌های جانوری جهان به‌شمار می‌رفت و دارای تعداد فراوانی از گونه‌های حیات وحش استان خوزستان و بهشت پرندگان خاورمیانه و گنجِ تالاب‌های ایران بود. این تالاب در مسیر رودخانه‌های قدیمی و دائمی پدید آمده و به‌طور معمول هم‌سطح دریاست، ولی سطح آب آن در بعضی نقاط دو تا سه متر بالاتر از سطح آب دریا و نسبت به مناطق هم‌جوار گودتر است. همچنین، آب رودخانهٔ صوئیب، که ادامهٔ نهر سابله (نهر انشعابی از رودخانهٔ کرخه) بوده و از وسط هور عبور می‌کرده است، بعدها به‌علت مسدود شدن مجاری خروجی، در سطح زمین‌های اطراف پخش و به آب‌های هورالهویزه اضافه شده است. علاوه‌بر جزایر مجنون شمالی و جنوبی، تأسیساتی مانند دکل‌های برق، دکل تقویت رادیو و تلویزیون، کارخانجات کاغذسازی و حدود پنجاه حلقه چاه نفت در داخل منطقهٔ هور قرار گرفته‌اند. این چاه‌ها، که بر روی یک سفرهٔ عظیم نفتی مشترک بین ایران و عراق واقع است، به‌وسیلهٔ دولت عراق حفر شده بود. همچنین، در حاشیهٔ رودخانهٔ دجله واقع در محدودهٔ اجرای عملیات، دو شهر العُزیر و القَرنه و حدود پنجاه روستا وجود داشت که در زمان اجرای عملیات پُر از سکنهٔ غیرنظامی بود که به زندگی عادی خود مشغول بودند. به‌علت پوشش گیاهی فشردهٔ سطح هور از نی، بَردی و چولان، تردد در آن تنها از معابر خاص صورت می‌گرفت.

دو جزیرهٔ نفتی مجنون با وسعت ۱۶۰ کیلومترمربع در هورالعظیم وجود داشت که دولت عراق با ایجاد سیل‌بندهایی، آب این منطقه را خشک و تبدیل به جزیره کرده بود تا بتواند از آنجا نفت استخراج کند. بنابراین، به هنگام اجرای عملیات خیبر، در این دو جزیره تعدادی کارگر مشغول کارهای مربوط به فعالیت‌های نفتی بودند. فاصلهٔ رزمندگان اسلام مستقر در شرق هور تا خطوط اصلی دشمن در غرب هور، یک فاصلهٔ آبی حدود چهل‌کیلومتری بود.

---

[۸] مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، برگرفته از: رشید، غلام‌علی، عملیات خیبر تفکری نو در جنگ، به کوشش: حسین اردستانی، تهران، ۱۴۰۰، ص ۲؛ علایی، حسین، تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، جلد دوم، چاپ دوم (با تجدیدنظر و اضافات)، تهران، مرز و بوم، ۱۴۰۱، فصل ششم، تحول در تدابیر نظامی، عملیات خیبر، صص ۲۸ و ۲۹.

محدودهٔ منطقهٔ عملیاتی خیبر، که عمدتاً در فضای هورالهویزه و قسمت اعظم و اصلی آن در شرق رودخانهٔ دجله تا جادهٔ بصره-العماره و از طلائیه تا آب‌گرفتگی هور در خاک عراق واقع شده است، از شمال به العُزَیر و از جنوب به اَلقَرنه و طلائیه، با وسعتی حدود ۱۱۸۰ کیلومترمربع محدود می‌شود. منطقهٔ هور دارای دو بخش متفاوت آب‌گرفتگی و خشکی است. عرض هشت تا ده‌کیلومتری منطقهٔ خشکی را، که عراق به منظور منطقه‌ای دفاعی در امتداد مرز ایران در داخل هور ایجاد کرده بود، هورالهویزه در شرق و هورالحِمار در غرب احاطه کرده بود. علاوه‌برآن، رودخانهٔ دجله این منطقه را ازنظر طبیعی به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده بود که سه‌چهارم آن در شرق رودخانه و یک‌چهارم در غرب آن واقع شده بود. ضمن اینکه جادهٔ مواصلاتی العماره به بصره نیز در غرب رودخانهٔ دجله قرار گرفته است. ارتش عراق در این منطقه فاقد خط دفاعی منسجم و مستحکم بود، ولی به‌علت کم بودن احتمال تهدید، خطوط دفاعی تأمین این منطقه، به‌ویژه برای تأمین جادهٔ العماره-بصره، به‌شکل پاسگاهی قرار داشت. بنابراین، از به‌کار بردن موانع و استحکامات نیز خبری نبود. اما در محور طلائیه به‌علت اتصال آن به خطوط دفاعی شرق بصره و خشک بودن زمین، دارای استحکامات، موانع، کانال و نیروی منظم نظامی بود.[۹]

استعداد کلی دشمن

منطقهٔ عملیات خیبر جزئی از منطقهٔ مسئولیت سپاه سوم ارتش عراق به فرماندهی سرلشکر ماهر عبدالرشید تکریتی از بستگان صدام بود و قرارگاه آن در دانشگاه بصره و پادگان شعبیه قرار داشت. سرلشکر ماهر عبدالرشید، که از ابتدای جنگ مسئولیت مدیریت کل استخبارات (اطلاعات) ارتش عراق را داشت، پس از عملیات والفجر ۲ به فرماندهی سپاه یکم و پس از عملیات والفجر ۴ به فرماندهی سپاه سوم منصوب شده بود. سپاه سوم با یگان‌های تحت امر خود شامل: فرماندهی نیروهای شط‌العرب، لشکرهای ۱۱ و ۱۹ پیاده، لشکرهای ۳ و ۶ زرهی، لشکر ۵ مکانیزه و لشکر ۸ پیاده کوهستانی، مسئولیت پدافند از منطقهٔ العُزیر در شمال تا رأس‌البیشه در دهانهٔ فاو را با پشتیبانی تعداد ده گردان توپخانه برعهده داشت که پنج گردان آن در مقابل منطقهٔ قرارگاه نجف اشرف استقرار داشتند. ضمن اینکه لشکرهای ۹ زرهی و ۱۵ پیادهٔ مکانیزهٔ این سپاه به سپاه دوم مأمور بوده و در منطقه حضور نداشتند.

در شروع عملیات، نیروهای قرارگاه نجف اشرف با شش گردان پیاده و حداکثر یک گردان مکانیزه و زرهی از دشمن درگیر شدند. بخشی از این استعداد را نیروهای جیش‌الشعبی و گارد مرزی تشکیل

---

[۹] مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدّس سپاه، برگرفته از: درودیان، محمد، از خرمشهر تا فاو، تهران، ۱۳۷٦، ص ۸۳؛ اردستانی، حسین، گزارش عملیات خیبر، ۱۳٦۳، صص ۵۲ و ٥٦؛ و «عملیات خیبر، تصرف جزایر مجنون»، کتاب سی‌ام، ۱۳۸۲، صص ۱۷ تا ۱۹.

می‌دادند که به‌صورت پاسگاهی در مناطق شمالی منطقهٔ عملیات و جزایر مجنون حضور داشتند. لشکر(-) زرهی نیز با سه تیپ زرهی و مکانیزه و دو تیپ پیاده به‌عنوان نیروی احتیاط در منطقه حضور داشت و پس از شروع تک رزمندگان اسلام، پاتک‌های متوالی خود را علیه رزمندگان اسلام آغاز کرد. درمجموع، در ادامهٔ درگیری‌ها، تعداد چهل‌وپنج تیپ از رسته‌های مختلف شامل: دو لشکر مکانیزه جمعاً به استعداد سه تیپ زرهی و پنج تیپ مکانیزه و تعداد سی‌وهفت تیپ شامل: شش تیپ زرهی مستقل، بیست‌وچهار تیپ پیاده، دو تیپ گارد مرزی، سه تیپ نیروی مخصوص، تیپ گارد ریاست جمهوری و یک قاطع جیش‌الشعبی، وارد منطقهٔ سپاه سوم شده و این سپاه را با اجرای پاتک‌های متعدد و متوالی در برابر نیروهای اسلام یاری کردند.[۱۰]

تشکیل قرارگاه سری اطلاعاتی نصرت

شرایط بن‌بستی که بر مناطق عملیاتی جنوب برای اجرای عملیات به وجود آمده بود، سپاه پاسداران را بر آن داشت تا برای جلوگیری از ایجاد رکود در جبهه‌ها اقدام به طراحی و اجرای چند عملیات در مناطق مختلف عملیاتی از شمال‌غرب تا جنوب کند. درهمین‌اثنا، تمام ذهن و فکر فرمانده کل سپاه روی این موضوع متمرکز شده بود که چگونه می‌توان با تغییر زمین و تغییر در تاکتیک، این بن‌بست را شکست و از نقطه‌ای که دشمن تمرکز کمتری دارد، عملیات موفقی را برای رسیدن به بصره اجرا کرد. در نتیجهٔ این تفکرات و بررسی مناطق و مشورت‌های صورت‌گرفته، منطقهٔ هور نظر ایشان را جلب کرد. برای یافتن اطمینان از امکان اجرای عملیات در این منطقه، ایشان اقدام به تشکیل یک قرارگاه سری اطلاعاتی به نام «قرارگاه نصرت» زیرنظر مستقیم خود کرد و [شهید] علی هاشمی فرمانده سپاه سوسنگرد را، که اهل خوزستان بود و به زبان عربی تسلط داشت، به فرماندهی آن گمارد. علی هاشمی مأموریت داشت، با سازمان‌دهی مجموعه‌ای از نیروهای مطمئن و زبده، به‌صورت کاملاً سری به شناسایی کامل جغرافیای منطقهٔ آب‌گرفتگی هورالهویزه بپردازد و نتایج کار را به ایشان گزارش کند. با انجام مرحلهٔ اول شناسایی و بازدید شخص فرمانده کل سپاه از منطقه، اجرای عملیات در هور با توجه به فرهنگ سازمانی رزمی سپاه امکان‌پذیر تشخیص داده شد. درنتیجه، فرمانده کل به تصمیم قطعی رسید

---

[۱۰] مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، برگرفته از: «مجموعهٔ اسناد عملیات خیبر (منطقهٔ هورالهویزه)، برآورد اطلاعاتی شمارهٔ ۱، اطلاعات‌عملیات قرارگاه نجف (محمد باقری)، تاریخ ۱۳٦۲/۱۱/۱٤، ص ۱۸، سند شمارهٔ ۲۷۸۹۲۵» و «گزیدهٔ اسناد عملیات خیبر، جلد ۷، تشریح عملیات دشمن، از ۱۳٦۲/۱۲/۰۳ تا ۱۳٦۳/۰۱/۱٤، اعلام اسامی یگان‌های دشمن در جناح مقابل خودی در منطقهٔ خیبر، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم، نامهٔ شمارهٔ ۲۰۰۲/۱٦۷/خ، تاریخ ۱۳٦۲/۱۲/۱۰، صص ۹۵ تا ۹۷، شمارهٔ سری ۱٤٦٤٦۹ و ۱۰۹۰۱٤، سند شمارهٔ ٤۹٤۹٤۱» و «گزارش برادر ابوالفضل موسوی راوی قرارگاه بدر در عملیات خیبر، وضعیت دشمن، صص ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۹٤، سند شمارهٔ ۱۵۰/گ».

و دستور مرحلهٔ دوم شناسایی را، که شناسایی در عمق خطوط دشمن بود، صادر کرد. ایشان در هر دو مرحلهٔ شناسایی، برای قطعیت یافتن کامل خود از منطقه، شخصاً چندین‌بار درقامت نیروی شناسایی وارد منطقه شد و از نزدیک تمام ابعاد و شرایط منطقه را برای اجرای عملیات مورد بررسی دقیق قرار داد. درنهایت، با تکمیل شناسایی‌ها، آماده‌سازی منطقه برای اجرای عملیات آغاز شد.

برای آماده‌سازی منطقه برای اجرای عملیات خیبر، حدود سیصد مأموریت شناسایی در هور و حدود صد مأموریت شناسایی در خشکی و در مناطق چزابه و طلائیه انجام گرفت. شناسایی‌ها و بررسی‌های انجام‌شده مقدمه‌ای برای پیشنهاد این منطقه برای اجرای عملیات گسترده بود و موجب شد تا عملیات خیبر به منظور در هم شکستن بن‌بست نظامی در جنگ طرح‌ریزی و اجرا شود. بنابراین، با پایان یافتن درگیری‌های عملیات والفجر ۴ در اواخر مهرماه ۱۳۶۲، انجام عملیات در آب‌گرفتگی بزرگ هور و عبور از آن برای رسیدن به ساحل شرقی رودخانهٔ دجله در دستور کار سپاه پاسداران قرار گرفت.[۱۱]

اتفاقات رخ‌داده حین دورهٔ شناسایی و آماده‌سازی در قرارگاه نصرت

واگذاری مأموریت شناسایی منطقهٔ هورالهویزه و آماده‌سازی اولیهٔ منطقه برای اجرای عملیات خیبر به قرارگاه سری نصرت، به‌علت سری بودن عملیات و لزوم غافل‌گیری دشمن، با سختی‌های فراوان و حوادث و اتفاقات جالب توجه و بعضاً عنایت الهی و ائمهٔ اطهار (س) همراه بود که به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

۱. یکی از تیم‌های دونفرهٔ شناسایی[۱۲] ازسوی محسن رضایی مأموریت پیدا می‌کنند تا هدف را در عمق مواضع دشمن در منطقهٔ القرنه شناسایی کنند و پس از کسب اطلاعات لازم برگردند. برای انجام این مأموریت حدود ۴۸ ساعت وقت نیاز بود. این دو نفر عازم منطقه می‌شوند و با استفاده از نیروهای بومی (عراقی) منطقه، کار خود را شروع می‌کنند. با گذشت ۴۸ ساعت، آنها به قرارگاه برنمی‌گردند. احتمال اسارت آنها و لو رفتن منطقه و درنتیجه بر باد رفتن تمامی زحمات برای شکستن بن‌بست جنگ، باعث نگرانی شدید مسئولان می‌شود و این در حالی است که چاره‌ای جز صبر و توکل به خدا هم وجود ندارد. پس از حدود یک هفته، خبر می‌دهند که این دو عزیز بازگشته‌اند. این خبر مسرت‌بخش ضمن آنکه فرماندهان را از نگرانی درمی‌آورد و باعث شکرگزاری به درگاه الهی از سلامت و عدم اسارت آنان

---

[۱۱] «علایی، حسین، تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، جلد دوم، چاپ دوم (با تجدیدنظر و اضافات)، تهران، مرزوبوم (مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران)، ۱۴۰۱، فصل ششم، تحول در تدابیر نظامی، عملیات خیبر، ص ۳۰» و «یاحسینی، سید قاسم، پنهان زیر باران، خاطرات سردار علی ناصری، چاپ سوم، تهران: سورهٔ مهر، ۱۳۸۶، ص ۱۹۷».

[۱۲] به نام‌های شهید سید ناصر سیدنور و دوست صمیمی او شهید عبدالمحمد سالمی.

می‌شود، این عصبانیت و سؤال را هم در پی دارد که علت تأخیرشان در این شرایط چه بوده است؟! درنهایت، معلوم می‌شود که آنها، به پیشنهاد بلدچی خود، شناسایی را به داخل کشور عراق برده و با رد شدن از تمامی پست‌های ایست‌وبازرسی دشمن، به زیارت عتبات عالیات مشرّف شده و در زیارت اباعبدالله‌الحسین (ع) پیروزی رزمندگان اسلام و شهادت خود در عملیات پیشِ رو را درخواست کرده و با تهیهٔ تربت و پارچه‌های متبرک بازگشته‌اند. نکتهٔ ظریف‌تر اینکه تنهٔ یکی از آنها در حرم به زائری عراقی برخورد می‌کند و او ناغافل با زبان فارسی عذرخواهی می‌کند. لازم به ذکر است که هر دوی این عزیزان در عملیات خیبر به خواستهٔ خود از امام حسین (ع) رسیده و شهادت نصیبشان می‌شود.

۲. یکی از اقدامات مهم برادران قرارگاه نصرت، انجام جعل اسناد و تهیهٔ مدارک شناسایی جعلی برای نفوذ در عمق دشمن بدون مشکل بود. این کار فوق‌تخصصی را با چنان ظرافتی انجام می‌دادند که به مهم‌ترین مراکز نظامی دشمن ازجمله قرارگاه سپاه سوم عراق در منطقهٔ بصره نفوذ می‌کردند و از نقشه‌ها و منطقه عکس و فیلم تهیه می‌کردند.

۳. شناسایی منطقهٔ هور در طول چهار فصل سال (از اواسط بهار شروع و تا اسفندماه در زمستان ادامه داشت) و در شرایط بسیار سخت و با توجه به وضعیت آب‌وهوایی مناطق جنوبی و خوزستان صورت گرفت. از گرمای طاقت‌فرسای هوا همراه با پشه‌های فراوان و حشرات گزنده، رطوبت و شرجی زیاد هوا گرفته تا سرمای شدید و حرکت در آب‌های سرد با لباس غواصی. بعضاً لباس نیروهای شناسایی بر اثر شدت سرما به تنشان می‌چسبید و درآوردن آن با کنده شدن پوست همراه می‌شد.

۴. کار و فعالیت قرارگاه نصرت تنها به شناسایی منطقه ختم نمی‌شد. به‌سبب لزوم سری بودن فعالیت‌ها، انجام کلیهٔ امور پشتیبانی و آماده‌سازی اولیهٔ منطقه را نیز نیروهای این قرارگاه انجام می‌دادند. این موارد شامل: اسکله‌سازی، انتقال قایق و سایر امکانات مورد نیاز به منطقه، به‌کارگیری شناورهای خاص مناطق صعب‌العبور در هور، طراحی و ساخت ابتدایی پل نفررو و خودرویی، ایجاد و تعریض آبراه‌ها، ساخت بلم و قایق‌های فایبرگلاس مانند بلم‌های بومی منطقه، تهیهٔ وسایل و امکانات مورد نیاز هور، دوزیست کردن بولدوزر و تانک و فرستادن آنها زیر آب و ... می‌شد. در یک کلام، نیروها هم در شناسایی و هم در امور پشتیبانی و آماده‌سازی منطقه برای اجرای عملیات فعال بودند.

۵. با وجود جوانی نیروهای قرارگاه (با متوسط سنی ۲۰ تا ۲۵ سال) که اقتضای این سنین بیان افتخارات و شاهکارهاست و بدون اینکه قرنطینه‌ای وجود داشته باشد، این نیروها با ایثار و خویشتن‌داری در مدت بیش از نه ماه فعالیت شناسایی فوق‌سری و نفوذ در عمق دشمن و شهرها و روستاهای عراق، کوچک‌ترین لغزشی از خود نشان ندادند و ضمن حفظ اسناد و مدارک سری، کاملاً عادی در محله و

مسجد و خانواده حضور داشتند و به خود اجازه ندادند کلمه‌ای از زحمات با ارزش خود و اطلاعات منطقه را بیان کنند و باعث لو رفتن منطقه شوند.

طرح‌ریزی و آماده‌سازی منطقه و نیروها

یکی از عوامل اصلی و مهمِ عدم‌الفتح در عملیات رمضان و به‌خصوص عملیات‌های والفجر مقدماتی و والفجر ۱، نفوذ عوامل دشمن در جبههٔ خودی بود. ازاین‌رو، در شناسایی و انجام امور مقدماتی برای انتخاب منطقهٔ هورالهویزه برای اجرای عملیات، مسائل حفاظتی با شدت هرچه تمام‌تر باید رعایت می‌شد. براین‌اساس، محسن رضایی اصرار داشت تا فرا رسیدن وقت لازم، هیچ‌کس در جریان اقداماتی که در منطقهٔ هور صورت می‌گیرد قرار نگیرد. بنابراین، تقریباً تا اتمام کار شناسایی و به نتیجه رسیدن شخص ایشان مبنی‌بر امکان انجام عملیات در این منطقه، به‌جز چند نفر محدود، حتی مسئولان ردهٔ اول نظامی و کشوری هم در جریان امور قرار نداشتند.

در آبان‌ماه ۱۳۶۲، یعنی بعد از پایان عملیات والفجر ۴، فرمانده سپاه طی نامه‌ای به محضر امام امت، ایشان را از نحوهٔ کار در منطقهٔ هورالهویزه و اهدافی که در این رابطه دنبال می‌شود آگاه ساخت و مرقوم کرد:

«ما قصد داریم یک‌بار دیگر برای رسیدن به بصره، از شمال منطقهٔ عملیاتی رمضان به همراه یک فلش دیگر از همان نقطه عمل کنیم. امیدواریم چنانچه به موفقیت دست پیدا کنیم، قسمت عمده‌ای از معضلات جنگ حل شود. لذا به‌خاطر حساس بودن منطقهٔ هور و لزوم حفظ اطلاعات آن از دشمن و ...، با توجه به مشکل عمل در آب [عملیات آبی-خاکی]، تقاضا داریم که این طرح نزد بچه‌های سپاه باقی بماند و شما دستورات لازم را به آقای خامنه‌ای ابلاغ فرمایید.»

حضرت امام (ره) نیز طی حکمی خطاب به آقای خامنه‌ای مرقوم می‌دارند:

«جناب آقای خامنه‌ای، رئیس شورای عالی دفاع؛ در شورای عالی دفاع به این امر رسیدگی فوری شود و نتیجه را ابلاغ نمایند. والسلام علیکم.»[۱۳]

بعد از این نامه، به درخواست حضرت امام، بلافاصله جلسه‌ای با حضور آقایان هاشمی رفسنجانی، خامنه‌ای، صیاد شیرازی و رضایی تشکیل و جوانب قضیه بررسی و تکلیف شرعی به‌عهدهٔ افراد گذاشته

---

[۱۳] صحیفهٔ امام خمینی، جلد ۱۸، حکم به آقای خامنه‌ای (رسیدگی به گزارش فرماندهٔ سپاه در مورد جبهه‌ها)، تاریخ ۱۳٦۲/۰۸/۰۷ (۲۲ محرم ۱٤۰٤)، ص ۱۹۹.

می‌شود که مطلب مطلقاً نباید به شخص دیگری منتقل شود. لذا پس از موافقت امام و مسئولان با انجام عملیات در هورالهویزه، طرح‌ریزی و اقدامات لازم برای آماده‌سازی منطقه آغاز می‌شود.[۱۴]

در یکی از جلسات شورای عالی دفاع، پس از بیان طرح عملیاتی سپاه در منطقهٔ هورالهویزه ازسوی محسن رضایی و بحث پیرامون آن، آقای هاشمی رفسنجانی به‌عنوان قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص) پذیرفتند که سپاه و ارتش در کنار هم به‌صورت جدا و در دو محور مستقل به اجرای عمل بپردازند و سپاه پاسداران سه لشکر (شامل: لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، لشکر ۷ ولی‌عصر (عج) و تیپ ۷۲ زرهی محرم) در اختیار ارتش قرار دهد. همچنین، برای اجرای عملیات، بنابه تدبیر ایشان، قرارگاه کربلا به ارتش و قرارگاه نجف اشرف به سپاه پاسداران واگذار شد و ایشان اعلام کرد فرماندهی نیز به عهدهٔ قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص) خواهد بود. بنابراین، در مراحل طرح‌ریزی عملیات از محور هور، فرماندهان ارتش حضور نداشتند، زیرا ارتش معتقد بود که امکان تأمین آتش توپخانه و تدارک‌رسانی به نیروها در عملیات خیبر وجود ندارد و این‌گونه عملیات‌ها را قبول نداشت.

شناسایی خوب و دقیق منطقه، آقای رضایی را به این نتیجه رساند که شرایط برای انجام عملیات در این منطقه فراهم است و ازاین‌پس باید مشکلات حاشیه‌ای، که مشکل اصلی هم بودند، حل می‌شد. یعنی در شرایط طبقه‌بندی به‌کلی سری، باید آماده‌سازی منطقه و ایجاد زیرساخت‌ها صورت می‌گرفت. بنابراین، ایشان ابتدا محسن رفیق‌دوست وزیر سپاه پاسداران را توجیه کرد و فهرست بلندی از نیازمندی‌ها به قایق و لباس غواصی را به وی ارائه داد و تأکید کرد که این اقلام را باید با رعایت کامل طبقه‌بندی حفاظتی و تحت پوشش تهیه کند.

پس از اتمام شناسایی منطقه، که مجموعهٔ علی هاشمی در قرارگاه نصرت آن را به‌خوبی به ثمر رساندند، آماده‌سازی منطقه، با توجه به لزوم سری بودن کار و با وجود تمام سختی‌ها، به دست همین برادران انجام شد. آنها امور سخت و طاقت‌فرسای زدن اسکله، آماده کردن آبراه‌ها، انتقال قایق از بندر ماهشهر، آماده کردن محل اورژانس و ... را نیز، که واقعاً کاری استثنایی بود، با کمترین استراحت برعهده گرفتند و به انجام رساندند.

درنتیجه، کار به مرحله‌ای رسید که انجام عملیات در این منطقه امکان‌پذیر شد و نوبت به توجیه فرماندهان رسید. آقای رضایی، که از شوکه شدن و نوع برخورد فرماندهان کمی واهمه داشت، یک سفر دریایی را برای آشنایی آنان با فضای آب و دریا برنامه‌ریزی کرد. بنابراین، فرماندهان را فراخواندند؛ ابتدا آنان را به بوشهر انتقال دادند و سپس به‌وسیلهٔ یکی از شناورهای نیروی دریایی ارتش به جزیرهٔ

---

[۱۴] مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، گزارش برادر اردستانی راوی قرارگاه نجف اشرف در عملیات خیبر، تحقیق و جمع‌آوری از تاریخ ۱۳۶۳/۰۳/۱۳ تا ۱۳۶۳/۰۴/۱۴، صص ۷ تا ۱۱، سند شمارهٔ ۱۴۸.

کیش بردند. در طول مسیر، کم‌کم آمادگی ذهنی در فرماندهان ایجاد می‌شد، زیرا دائم علت این سفر را از مسئولان امر سؤال می‌کردند و ذهنشان به این سمت سوق داده شده بود که چه نقشهٔ جدیدی در کار است که بنابه ضروت آن، این سفر صورت می‌گیرد. این امر در ایجاد آمادگی ذهنی افراد بسیار مؤثر بود و درواقع پاسخ انتظاری بود که فرمانده کل سپاه از این سفر داشت.

اقدام بعدی، که حدود دو هفته قبل از اجرای عملیات صورت گرفت، آوردن فرماندهان به منطقه و توجیه آنان و شنیدن نظرات آنان نسبت به اجرای عملیات در این منطقه بود. ضمن اینکه از قبل پیش‌بینی شده بود که یک یا دو نفر از برادران اطلاعات قرارگاه نصرت، یک فرمانده لشکر یا تیپ را با خود به عمق منطقهٔ دشمن ببرند و ضمن شناخت منطقه، اهداف را به آنان نشان دهند.

در این جلسه، پس از تشریح مأموریت، صدای اعتراض فرماندهان مبنی بر اینکه تاکنون عملیات آبی-خاکی انجام نداده‌اند و در این زمینه تجربه ندارند و حتی نمی‌دانند غواص و غواصی چیست و... بالا می‌گیرد. آقای رضایی پس از شنیدن کامل صحبت برادران، دستور می‌دهند فرماندهان به همراه برادران اطلاعات سوار بر قایق‌های آماده شده و منطقه را از نزدیک ببینند و بعد نظرات خود را بیان کنند. تأثیر این شناسایی به‌قدری مهم بود که تیم همراه مرتضی قربانی گفته بودند وقتی ایشان را از دجله عبور دادیم و وارد جادهٔ العماره-بصره کردیم، هاج‌وواج مانده بود که چگونه و به‌راحتی تا عمق حدود چهل کیلومتری وارد شده بودیم درحالی‌که شناسایی تا خط اول هم سخت بود.

بنابراین، نظرات فرماندهان در جلسهٔ دوم تا حدودی تعدیل شد و حتی بعضی برای اجرای زودتر عملیات اعلان آمادگی کردند. با توجیه فرماندهان و دستور آموزش شنا به نیروها، با توجه به فصل زمستان، آموزش‌ها ابتدا در استخرهای سرپوشیده شروع شد. با توجه به حجم زیاد نیرو و زمان محدود، استخرهای روباز نیز مورد استفاده قرار گرفت. به‌سبب کمبود استخر و همچنین لزوم آموزش قایق‌رانی، بخشی از نیروها بالاجبار دوره‌های آموزش شنا و قایق‌رانی را در پشت سدهای کشور در آب‌های سرد گذراندند. بخشی از آموزش‌ها نیز، با توجه به نیاز نیروهای شناسایی یگان‌ها، به آموزش غواصی اختصاص یافته بود.

با آمادگی نسبی نیروها و فرا رسیدن زمان اجرای عملیات، با وجود آنکه امکانات لازم فراهم نشده بود و امکان تأخیر بیشتر عملیات به‌علت لو رفتن منطقه وجود نداشت، عملیات آغاز شد. اگرچه مرحلهٔ اول عملیات و گرفتن اهداف با توجه به شرایط منطقه چندان دشوار نبود، ادامهٔ کار با واکنش دشمن و مشکل پشتیبانی‌ها خیلی سخت می‌شد. ولی با علم به این موضوع و در شرایطی که منطقه با بن‌بست

مواجه بود و این بن‌بست باید به‌شکلی شکسته می‌شد، تن به اجرای این عملیات داده شد. ضمن اینکه مهم‌ترین بخش اجرای این مأموریت، تحمیل اراده به دشمن بود.[۱۵]

اجرای عملیات‌های محدود در راستای فریب دشمن

به منظور جلب توجه قوای ارتش عراق به سایر مناطق، عملیات‌های محدود والفجر ۵ در منطقهٔ چنگوله از مواضعی در نزدیکی مهران، والفجر ۶ در منطقهٔ تنگهٔ چزابه و تحریرالقدس در جنوب‌غربی مریوان و مناطق کوهستان دربندیخان عراق در دستور کار قرار گرفت و به مرحلهٔ اجرا درآمد.

سازمان رزم نیروهای عمل‌کننده

۱. قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص)

قبل از عملیات خیبر در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۶۲، حضرت امام (ره) طی حکمی آقای هاشمی رفسنجانی را به سمت «فرماندهی دنبالهٔ عملیات والفجر» نصب کردند. بنابراین، ایشان با استقرار در قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص) درقامت فرمانده مسئولیت ادارهٔ جنگ را برعهده گرفتند. به دنبال این انتصاب، ستادی متشکل از نیروهای ارتش و سپاه به فرماندهی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) تشکیل شد و قرارگاه کربلا (ارتش) به فرماندهی سرهنگ صیاد شیرازی و قرارگاه نجف اشرف (سپاه پاسداران) به فرماندهی محسن رضایی، تحت امر فرماندهی جنگ درآمدند.[۱۶]

۲. قرارگاه مرکزی نجف اشرف (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران)

در طراحی عملیات، در محور هورالهویزه، پنج هدف اصلی: العزیر، القرنه، جزایر مجنون شمالی و جنوبی، نشوه و طلائیه مشخص شد. ازاین‌رو، قرارگاه مرکزی نجف اشرف با تشکیل پنج قرارگاه تاکتیکی عملیاتی به‌ترتیب از شمال به جنوب و یک قرارگاه ترابری آبی و پشتیبانی به شرح زیر، به منظور انهدام کامل دشمن و تصرف سه گلوگاه مهمِ منطقه شامل: العزیر، القرنه و نشوه و همچنین تصرف جزایر

---

[۱۵] مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، برگرفته از: «قرارگاه سری، پیشینهٔ قرارگاه نصرت با رویکردی به شخصیت علی هاشمی، از زبان سردار احمد غلامپور و به کوشش دکتر محمدمهدی بهداروند، چاپ اول، سال ۱۳۸۵، سند شمارهٔ ۱۴۷۵» و «پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس سپاه، دوره‌های تربیت مربی، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، تحلیل عملیات‌های خیبر و بدر توسط سردار احمد غلام‌پور، رزمندهٔ پیش‌کسوت و از فرماندهان شاخص سپاه و قرارگاه کربلا در دفاع مقدس، تهران، سال ۱۳۸۸».

[۱۶] صحیفهٔ امام خمینی، جلد ۱۸، حکم انتصاب آقای اکبر هاشمی‌رفسنجانی به سمت فرماندهی عملیّات والفجر، تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۳۰ (۱۶ جمادی‌الاوّل ۱۴۰۴)، ص ۳۵۵.

مجنون و الحاق آن به منطقهٔ طلائیه و ادامهٔ عملیات به‌طرف نشوه و تصرف منطقهٔ شرق بصره، به اجرای عملیات آفندی در مناطق هورالعظیم و طلائیه پرداخت:

الف) قرارگاه نصر شامل: لشکر ۵ نصر و تیپ ۱۵ امام حسن مجتبی (ع) با هدف تصرف العزیر و بستن جادهٔ العماره–بصره.

ب) قرارگاه حدید شامل: تیپ‌های ۴۴ قمر بنی‌هاشم (ع) و ۲۱ امام رضا (ع) با هدف تصرف سه‌راهی القرنه محلِ تقاطع جاده‌های بصره–العماره–بغداد.

پ) قرارگاه بدر شامل: لشکرهای ۸ نجف اشرف و ۳۱ عاشورا به منظور تصرف کامل جزیرهٔ شمالی و نیمهٔ غربی جزیرهٔ جنوبی مجنون تا پل شحیطات و بنابه دستور، ادامهٔ عملیات به‌سمت نشوه.

ت) قرارگاه حُنین شامل: لشکرهای ۱۷ علی‌ابن ابی‌طالب (ع) و ۴۱ ثارالله (ع) و تیپ مستقل ۱۰ سیدالشهداء (ع) به منظور تصرف نیمهٔ شرقی جزیرهٔ جنوبی مجنون و ادامهٔ حرکت به‌سمت منطقهٔ طلائیه و الحاق با قرارگاه فتح برای تسهیل عملیات به‌سمت نشوه.

ث) قرارگاه فتح شامل: لشکرهای ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) و تیپ‌های ۳۳ المهدی (عج) و ۱۸ الغدیر و تیپ‌های زرهی ۲۰ رمضان و ۲۸ صفر با هدف شکستن خط و باز کردن راه زمینی برای پشتیبانی ازطریق تصرف پل طلائیه و الحاق با قرارگاه حنین برای تسهیل عملیات به‌سمت نشوه.

ج) قرارگاه نوح (ع) شامل ناوتیپ امیرالمؤمنین (ع) از بوشهر و ناوتیپ کوثر از ماهشهر عهده‌دار ترابری آبی و پشتیبانی.[۱۷]

۳. یگان‌های مأمور ارتش به سپاه پاسداران

الف) نیروی هوایی ارتش: این نیرو مأموریت پشتیبانی هوایی و پدافند هوایی را با به‌کارگیری پایگاه‌های هوایی تبریز، دزفول و بوشهر برعهده داشت. با توجه به تحریم‌ها و نبود قطعات یدکی، این نیرو تنها می‌توانست در حدود صد سورتی عملیاتی انجام دهد و با گشت هوایی با هواپیماهای F.۱۴، امنیت نسبی هوایی منطقه را برقرار کند. در ضمن، این نیرو با تعداد معدودی بالگرد، هوانیروز را در ترابری و پشتیبانی از عملیات کمک می‌کرد.

ب) نیروی دریایی ارتش: این نیرو مأموریت ترابری نیرو و تجهیزات به جزایر را به استعداد سه فروند هاورکرافت برعهده داشت.

---

[۱۷] مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران، برگرفته از: «گزارش برادر حسین اردستانی راوی قرارگاه نجف اشرف در عملیات خیبر، ترکیب قرارگاه‌های تابعهٔ قرارگاه نجف اشرف، ص ٤٦، شمارهٔ سند راوی ١٤٨» و «عملیات خیبر، تصرف جزایر مجنون»، کتاب سی‌ام، ۱۳۸۲، صص ۲۲ و ۲۳» و « درودیان، محمد، خرمشهر تا فاو، تهران، ۱۳۷٦» و «جزوهٔ ۳۸ عملیات خیبر، ص ۷۳».

پ) هوانیروز نیروی زمینی ارتش: هوانیروز عملیات را با تنها حدود یک‌سوم از تعداد هشتاد فروند انواع بالگردی پشتیبانی می‌کرد که برابر ابلاغ در عملیات برای ترابری و انتقال نیرو و تجهیزات و همچنین تک به مواضع دشمن شرکت می‌داد.

ت) نیروی زمینی ارتش:

۱. لشکر ۹۲ زرهی به استعداد سه تیپ زرهی با توجه به استقرار در خط پدافندی کوشک و طلائیه، از تاریخ پنجم اسفندماه در کنترل عملیاتی قرارگاه نجف اشرف قرار گرفت ولی به‌جز توپخانهٔ لشکری به‌کارگیری نشد.

۲. گروه ۳۳ توپخانه به استعداد سه گردان توپخانه و یک گردان راکت‌انداز ۱۲۲م.م کاتیوشا.

شرح عملیات خیبر

عملیات در ساعت ۲۰:۳۷ روز سوم اسفندماه ۱۳۶۲ با اعلام رمزِ «لاحول و لاقوّه الّا بالله، یا رسول‌الله، یا رسول‌الله، یا رسول‌الله؛ به تیپ‌ها و لشکرها بگویید بعد از واژهٔ رسول‌الله، یاد حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، همچنان در قلبشان باقی بماند و دشمن را تارومار کنند» ازسوی محسن رضایی آغاز شد. پس از اعلام رمز عملیات، نیروهای تک‌ور و خط‌شکن موج اول هجوم یگان‌های تحت امر قرارگاه مرکزی نجف اشرف، سوار بر قایق‌ها، حرکت خود را از اسکله‌های شهید بقایی و شهید دقایقی و از میان آبراه‌های هورالهویزه به منظور تصرف شهرهای القَرنه و العُزیر، بستن جادهٔ بصره-العماره و پاک‌سازی جزایر مجنون و جنوب آن تا جادهٔ طلائیه آغاز کردند. البته طبق برنامه، نیروهای اطلاعات قرارگاه نصرت و عرب‌های محلی که به منطقه آشنایی داشتند، همراه با نیروهای اطلاعات و افراد خط‌شکن یگان‌ها، پیش از حرکت نیروها، به آبراه‌ها رفتند و منتظر رسیدن گردان‌ها بودند. آنها موظف بودند گردان‌ها را تا آستانهٔ مواضع دشمن راهنمایی کنند. با توجه به فاصلهٔ طولانی تا منطقهٔ هدف‌ها، هوانیروز بایستی پس از شکسته شدن خطوط دشمن به‌وسیلهٔ رزمندگان خط‌شکنی که خود را با قایق به خطوط دشمن رسانده بودند، نیروهای تقویتی و انتقال مهمات و امکانات پشتیبانی را شبانه به نقاط مشخص‌شده می‌رساند. شب و روز اول عملیات که هنوز فعالیت هوایی دشمن آغاز نشده بود، بهترین فرصت برای هوانیروز برای انجام مأموریت محوله بود که این امر طبق طرح، عملیاتی نشد. بنابراین، یکی از عوامل اصلی و مهم در عدم موفقیت کامل در رسیدن به اهداف عملیات خیبر، پشتیبانی ناقص هوانیروز در دو روز اول عملیات بود. ازطرفی، علاوه‌بر تأمین نشدن تعداد قایق مورد نیاز، با وجود نیزارها، حدود دوسوم از این تعداد قایق نیز به‌سبب از کار افتادن موتور از گردونهٔ عملیات خارج می‌شدند. به‌همین‌علت، امکان تقویت نیرو و مهمات و سلاح برای یگان‌ها هم از راه هوایی و هم ازطریق هور و مسیر آبی بسیار سخت شده یا امکان آن وجود نداشت.

عدم موفقیت قرارگاه نصر در تصرف پل العُزَیر در شمالی‌ترین محور منطقهٔ قرارگاه نجف اشرف، که یکی از گلوگاه‌های مهمِ عملیات به‌شمار می‌رفت، موفقیت قرارگاه حدید را، که موفق به تصرف دومین گلوگاه دشمن یعنی سه‌راهی و پل القَرنه شده بودند، با خطر جدی مواجه می‌کرد که این خطر متوجه کل عملیات نیز می‌شد. زیرا درحالی‌که دو قرارگاه نصر و حدید به‌علت نرسیدن نیروهای تقویتی و مهمات و امکانات پشتیبانی و همچنین مواجه بودن با کمبود شدید امکانات ترابری برای تثبیت و نگه‌داری مواضع متصرفی در شرایط نامطلوبی به سر می‌بردند، دشمن با وارد کردن نیروی زرهی و پیاده و اجرای آتش پشتیبانی توپخانه، مقابلهٔ خود را با اجرای اولین پاتک روی دو منطقهٔ گلوگاهی و حیاتی العُزیر و القَرنه آغاز کرد و با فشار به نیروهای خودی، موفق به بازپس‌گیری بخشی از این مناطق شد و این فشار را برای بازپس‌گیری کامل ادامه داد و نیروهای این دو قرارگاه را وادار به عقب‌نشینی کرد.

قرارگاه بدر در مرحلهٔ اول عملیات مأموریت داشت ضمن تصرف و پاک‌سازی جزیرهٔ شمالی و نیمهٔ غربی جزیرهٔ جنوبی از دشمن، شرایط را در شمال جزیرهٔ شمالی برای فرود بالگردهای هوانیروز، که باید ترابری نیروها را به جزیره انجام می‌دادند، مهیا کند. بنابراین، این قرارگاه از قبل نسبت به نصب علمک دارای چراغ قرمزرنگ از مبدأ پروازی تا محل فرود بالگرد اقدام کرد و پیش‌بینی شده بود تا پس از شروع عملیات، در نقطهٔ فرود بالگردها نیز اقدام به آتش زدن لاستیک برای راهنمایی خلبانان کند. البته به‌سبب درگیری‌های پراکنده در جزیره، روشن شدن چراغ‌ها و آتش زدن لاستیک‌ها در ساعت ۰۱:۳۰ بامداد انجام گرفت. یک فروند بالگرد ساعت ۰۱:۴۵ تا ۰۲:۱۵ با احمد کاظمی و علی هاشمی، مسیر

را کنترل و بررسی کردند. در بازگشت، افراد هوانیروز معتقد بودند نمی‌توان فرود آمد، ولی برادران سپاه شرایط را برای فرود بالگرد مناسب می‌دانستند. طول کشیدن این مباحث باعث اتلاف زمان تا ۰۳:۴۵ بامداد و انتقال حجم کمی نیرو به جزیره شد. درمجموع، مأموریت مرحلهٔ نخست این قرارگاه تا ظهر روز چهارم اسفندماه با تصرف اهداف به اتمام رسید. اما پاک‌سازی نشدن نیمهٔ شرقی جزیرهٔ مجنون جنوبی و درنتیجه میسر نشدن حرکت قرارگاه حُنین به‌سمت پل طلائیه و الحاق با نیروهای قرارگاه فتح و وجود موانع زیاد در مسیر حرکت نیروهای قرارگاه فتح که باعث شد نیروهای آن نتوانند از طرفین دژ منتهی به پل طلائیه عبور کرده و با قرارگاه حُنین الحاق کنند، باعث باز نشدن مسیر خشکی و زمینی عملیات برای پشتیبانی از نیروها در مناطق هور شد. بنابراین، درحالی‌که نیروهای رزمنده با مقاومت جانانه به مأموریت خود و اجرای تک‌های شبانه به دشمن برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده و تلاش برای حفظ مناطق متصرفی ادامه می‌دادند، ارتش عراق با کشف اهداف عملیات و محورهای اصلی تک، تلاش اصلی خود را ابتدا روی پاک‌سازی حوالی جادهٔ بصره-العماره در شمال منطقه گذاشت که با اجرای پاتک‌های متوالی و سنگین و آتش سنگین توپخانه و بالگرد و هواپیما حمایت می‌شد. بدین‌ترتیب، عدم امکان تدارک‌رسانی و پشتیبانی به‌موقع از یگان‌های عمل‌کننده به‌خصوص در بخش شمالی منطقه، منجر به عقب‌نشینی نیروهای دو قرارگاه نصر و حدید به جزایر مجنون شد و درنتیجه شرق رودخانهٔ دجله به‌طور کامل تخلیه شد.[۱۸]

در منطقهٔ طلائیه نیز، به رغم اجرای چند حمله برای الحاق یگان‌ها در دو محور طلائیه و جزیرهٔ جنوبی و اضافه شدن لشکر ۱۴ امام حسین (ع) از روز سوم عملیات به این محور پس از رها شدن از منطقهٔ قرارگاه کربلا (ارتش)، به‌سبب حضور پُرشمار قوای دشمن و مقاومت آنها و پی بردن به این مهم که هدف عملیات ایران باز کردن راه خشکی از منطقهٔ طلائیه است، این مهم میسر نشد. ضمن اینکه دشمن پس از عقب زدن نیروهای خودی دو قرارگاه نصر و حدید، تمامی توان خود را روی منطقهٔ طلائیه و جزایر متمرکز کرد. علاوه‌براین، دشمن اقدام به رها کردن آب جلو خطوط خودی در این منطقه کرد و با باتلاقی کردن منطقه، مانع بزرگی در مسیر حرکت رزمندگان ایجاد کرد. بنابراین، در روز چهارم عملیات، دشمن با به‌کارگیری یگان‌های زرهی و آتش شدید توپخانه، برای پس گرفتن پل جنوب جزیرهٔ

---

[۱۸] مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، برگرفته از: «گزارش برادر حسین اردستانی راوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم در عملیات خیبر، تاریخ چهارشنبه ۱۳۶۲/۱۲/۰۳، دفترچهٔ شمارهٔ ۱، حوادث شروع تا روز هفتم عملیات، سند راوی شمارهٔ ۳۳۹» و «علایی، حسین، تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، جلد دوّم، چاپ دوّم (با تجدیدنظر و اضافات)، تهران، مرز و بوم، ۱۴۰۱، فصل ششم، تحوّل در تدابیر نظامی، عملیات خیبر، ص ۴۵» و «انصاری، محمد، من یک سربازم، خاطرات سرتیپ خلبان محمد انصاری فرماندهٔ اسبق هوانیروز، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۹۶، صص ۷۹ و ۸۰».

جنوبی و خارج کردن بخشی از نیروهای در محاصرهٔ خود در منطقهٔ طلائیه و دور زدن نیروهای خودی فشار زیادی وارد کرد و موفق شد با عبور از پل، وارد جنوب جزیره شود. در این شرایط، تمرکز آتش دشمن در طلائیه، که زمینی بسیار محدود را شامل می‌شد، فوق‌العاده بود. چنان‌که [شهید] حجت‌الاسلام عبدالله میثمی[19]، که در آنجا حاضر بود، می‌گفت: «هرکس در طلائیه ایستاد، اگر در کربلا هم بود، می‌ایستاد.» ضرورت مقاومت در طلائیه به‌سبب اهمیت این محور برای کل عملیات بود، زیرا در صورت الحاق و پاک‌سازی، عقبهٔ خشکی برای نیروهای خودی وصل می‌شد و عملیات در ابعاد جدیدی گسترش می‌یافت.[20]

درحالی‌که نتایج عملیات خیبر به جزایر مجنون خلاصه شده بود، فرمان حضرت امام در ۱۴ اسفند مبنی‌بر اینکه: «جزایر حتماً باید نگه داشته شود، هر طور که شده»، تحولی اساسی در سرنوشت عملیات ایجاد کرد. دشمن نیز، که حدود پنج روز تلاش خاصی از خود نشان نداده و منطقه حالت عادی داشت، از روز ۱۶ اسفندماه حملات خود را برای بازپس‌گیری جزیره آغاز کرد و سنگین‌ترین آتش‌های توپخانه و تانک خود را، که از ابتدای جنگ تا آن زمان سابقه نداشت، معطوف به جزایر کرد، طوری‌که طی ۷۲ ساعت، تنها با توپخانهٔ خود، بیش از ۱،۳۰۰،۰۰۰ گلولهٔ توپ روی جزایر ریخته بود. ولی مقاومت رزمندگان اسلام با گوشت و پوست و خون خود قوای ارتش بعثی را متوقف کرد و اوج حماسه، استقامت و شهادت‌طلبی سپاهیان و بسیجیان به نمایش گذاشته شد. دشمن، که در مقابل خود مقاومتی دور از تصور و پیش‌بینی را مشاهده می‌کرد، به‌مرور با تحمل تلفات و ضایعات فراوان دریافت که ادامهٔ تک غیر از به مسلخ بردن نیروها نتیجه‌ای ندارد. بنابراین، از پس گرفتن جزایر مجنون منصرف شد و شروع به تحکیم مواضع کرد.

عملیات هم‌زمان و مستقلِ ارتش در منطقهٔ زید

---

[19] شهید میثمی ازطرف حضرت حجت‌الاسلام‌والمسلمین شهید محلاتی، «نمایندهٔ محترم حضرت امام رحمت‌الله‌علیه در سپاه» به مسئولیت نمایندگی امام در قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم برگزیده شده بود. ایشان، که با علاقه و عشق بی‌نظیر این سنگر را انتخاب کرده بود، در آن شرایط حساس در کنار فرماندهان و رزمندگان، توانست نقش مهمی را در انسجام نیروها و رشد معنویات در جبهه ایفا کند.

[20] مرکز مطالعات و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، برگرفته از: «گزارش برادر حسین اردستانی راوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم در عملیات خیبر، تاریخ چهارشنبه ۱۳۶۲/۱۲/۰۳، دفترچهٔ شمارهٔ ۱، ص ١٤، سند راوی شمارهٔ ۳۳۹» و «درودیان، محمد، از خرمشهر تا فاو، تهران، ١٣٧٦» و «عملیات خیبر، تصرف جزایر مجنون»، کتاب سی‌ام، ۱۳۸۲، صص ٢٤ و ٢٥».

ارتش در یک طراحیْ هم‌زمان با عملیات قرارگاه نجف اشرف (سپاه) در منطقهٔ زید و در قالب قرارگاه کربلا وارد عمل شد و به‌صورت مستقل به اجرای عملیات پرداخت. در طرح اصلی، که ازسوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء (ص) (آقای هاشمی‌رفسنجانی) ابلاغ شد، بیان شده بود که اگر سپاه موفق شد و ارتش ناموفق، ارتش به دنبال سپاه عمل می‌کند و بالعکس، اگر هم ارتش موفق شد و سپاه موفق نبود، سپاه به دنبال ارتش وارد عمل می‌شود. با توجه به مأمور شدن سه یگان سپاه به ارتش، ارتش با سازمان زیر وارد عملیات شد:

الف) قرارگاه کربلا ۱ شامل: لشکر ۷۷ پیاده به استعداد هشت گردان احتیاط قدس و لشکر ۷ پیادهٔ ولی‌عصر (عج) سپاه به استعداد هشت گردان مانوری.

ب) قرارگاه کربلا ۲ شامل: لشکر ۲۱ پیاده.

پ) قرارگاه کربلا ۳ شامل: لشکر ۹۲ زرهی با دو تیپ (منهای تیپ دوم و توپخانهٔ لشکری مأمور به قرارگاه نجف اشرف).

ت) قرارگاه کربلا ۴ شامل: لشکر ۱۴ امام حسین (ع) سپاه به استعداد دوازده گردان مانوری و دوازده گردان احتیاط قدس ارتش و تیپ ۷۲ زرهی محرم سپاه به استعداد دو گردان تانک و دو گردان مکانیزه و چهار گردان پیادهٔ احتیاط قدس ارتش.

ث) تیپ ۴ جدیدالتأسیس لشکر ۹۲ زرهی، به استعداد شش گردان مانوری.

ج) توپخانهٔ قرارگاه کربلا شامل:

۱. سه گردان توپخانهٔ ۱۳۰م.م گروه ۲۲ توپخانه.

۲. یک گردان مختلط توپخانهٔ ۱۷۵م.م و ۲۰۳م.م گروه ۲۲ توپخانه.

۳. یک گردان راکت‌انداز ۱۲۲م.م کاتیوشا گروه ۲۲ توپخانه.

۴. آتشبار راکت‌انداز ۱۲۲م.م گردان ۳۷۲ کاتیوشا گروه ۳۳ توپخانه.[۲۱]

عملیات ارتش در منطقهٔ زید با به‌کارگیری یگان‌های رزم ارتش و تعداد دو لشکر و یک تیپ زرهی از سپاه هم‌زمان با عملیات قرارگاه نجف اشرف (سپاه) در منطقهٔ هورالهویزه و طلائیّه صورت گرفت. این عملیات با توجه به موانع و استحکامات پیچیدهٔ دشمن در این منطقه، در همان شب اول با عدم موفقیت مواجه و عملاً عملیات در این محور پایان یافت.

---

[۲۱] مرکز اسناد سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی، پیوست الف سازمان رزمی طرح عملیاتی شمارهٔ ۳ خیبر قرارگاه کربلا، تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۰۳، عملیات خیبر، ص ۱۳۸، کلاسور شمارهٔ ۶۱.

فعالیت‌ها و اقدامات مهندسی رزمی در عملیات خیبر (مراجعه به پیوست شمارهٔ ۳)

فعالیت‌ها و اقدامات توپخانه در عملیات خیبر (مراجعه به پیوست شمارهٔ ۴)

فعالیت‌ها و اقدامات نیروی هوایی در عملیات خیبر (مراجعه به پیوست شمارهٔ ۵)

فعالیت‌ها و اقدامات بخش بالگردی در عملیات خیبر (مراجعه به پیوست شمارهٔ ۶)

فعالیت‌های بهداری و اقدام در برابر تک شیمیایی در عملیات خیبر (مراجعه به پیوست شمارهٔ ۷)

استفادهٔ دشمن از سلاح شیمیایی (مراجعه به پیوست شمارهٔ ۸)

تجزیه و تحلیل مختصر عملیات خیبر (مراجعه به پیوست شمارهٔ ۹)

دستاوردها و بازتاب‌های عملیات خیبر (مراجعه به پیوست شمارهٔ ۱۰)